

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

نویسنده: واسیلی متروخین
مترجم: احمد ضیاء رهگذر
۲۷.۰۳.۰۹

ک. ج. ب. در افغانستان

جنگ

در آن قسمتهائی از اتحاد شوروی که با ایران و افغانستان هم سرحد بود حالت اضطرار اعلام گردیده سربازان احتیاط فراخوانده شده وسایط نقلیه نیز مصادره گردیده، وارد خدمت به اردو گردیدند. واحد های نظامی کاملاً مسلح گردیده به حالت آماده باش در آورده شدند و ترخیص و مرخصی سربازان نیز به تأخیر افتاد. تعداد نظامیان و عرادات جات به شدت افزونی گرفت. ذکر موضوع مداخله پلان شده نظامی در گفتگوها کاملاً ممنوع اعلام گردیده بود.^۱

برای عساکریکه از احتیاط فراخوانده شده بودند سازگاری با مقضیات محیط امر مشکلی بود. موارد بی انطباقی و غیر حاضری بدون اجازه در بین قوا در حال افزایش بود. در شب سوم جنوری سال ۱۹۸۰ چهل و نه سرباز که ملیس به لباس ملکی بودند در میدان هوایی عشق آباد توقیف گردیدند. از نزد آنها هفت ماشیندار با دو تفنگچه اخذ گردید. در روز های بسیج نیرو ها، آوازه ها و شایعات بی اساسی مبنی بر موضعیت در اتحاد شوروی و اوضاع در ایران و افغانستان پخش گردیده بود. "ک.ج.ب." این شایعات را علیه شوروی تلقی مینمود. مردم [محل] غذا و مواد مورد ضرورت شانرا خریداری نموده آماده بودند تا به خارج از شهر بروند. رادیو گورگان که به زبان ترکی به نفع اسلام تبلیغ مینمود از یکطرف و ایجاد دولت اسلامی در ایران و زندگی اسلامی در آنکشور تأثیر ژرفی بالای مردم گذاشته بود. ملا های شوروی از مردم میخواستند تا از خمینی مانند یک پیامبر جدید پیروی نمایند. آثار مذهبی اسلامی و عیسوی در میان مردم در شهرها و دهات توزیع گردیده بود. تاتارا های کریمیا (جزیره نمای اوکرائینی که در میان بحریه سیاه و بحیره آزوف موقعیت دارد. مترجم) در صدد یافتن خارجیهای بودند تا بتوانند به آنها اوراقی را بدهند که بر مبنای آن اوراق آنها موضوع کریمیا را در سازمان ملل متحد مطرح نمایند. در میان مردم جوانان دارای شور و شعف بیشتری بودند آنها جزوه هایی را پخش میکردند که در آنها از گروه ها و تشکیلات مخفی خواسته بودند که با هم متحد شوند.

در این میان بعضاً از تظاهرات کتله ئی به شیوه چیچنها حرف زده میشد. گفته میشد تعدادی میخوانند مسلح شده به کوه ها بروند تا از آنجا دست به قیام علیه دولت بزنند.

جرمنها دارای نظرات و عقاید ثابت خود بودند و در اینهنگام یک موج بزرگ مهاجرت نیز بدان صوب موجود بود. ترکهاییکه از گرجستان اخراج شده بودند خواهان این بودند تا برای شان اجازه دوباره برگشتن به این محل داده شود. در میان ازبکها نیز احساسات قوی ناسیونالیستی و ضد روسی موجود بود. تلاشهایی صورت میگرفت تا گروه های کوچکی از ازبکها برای آزادی ازبکها از جنگال روسها ساخته شود. اینها مواردی غیر قابل تحملی بودند برای روسها. آنها روسها را تهدید به خشم و حذف کردن اسمهای شان از لیستهای کاندیدان شورا ها، نمودند. "ک.ج.ب." گزارشاتی را درباره انتقادات ناقص سیاسی از رهبری حزبی و دولتی و همچنان تصمیم فرستادن نیرو به افغانستان، به دست آورد. در جنوری سال ۱۹۸۰ یک انجنیر بلند رتبه در یک لابراتوار زراعتی - کمیای در شهر بیرام - علی کنوف دستگیر گردید. او قصد "سرنگونی" دولت شوروی را داشت. نامبرده یک مقاله را تحت عنوان "گزارشدهی با دهن بسته" نوشته بود که میخواست آنرا در اختیار امریکائی ها قرار دهد.

میتکالیف که یک معلم موزیک بود نیز یک کتاب نوشته بود در ارتباط به زندگی شوروی و آموزش مارکسیزم - لنینیسم، به شکل واقعی آن. مانند این دو تن، صد ها تن دیگر نیز تحت مراقبت "ک.ج.ب." قرار داشتند.

"ک.ج.ب." وظیفه انتقال قوای نظامی و وسایط نقلیه را عهده دار بود. حرکت قطار واحد های خاص نظامی بدون کدام توقف همچنان ادامه داشت. راه ها به بخشهای کوچکی تقسیم گردیده بودند و در طول راه ها پُسته های بازرسی مخفی ایجاد گردیده بود. نظارت از کار های اجتنوری در تمام ساحات شدت کسب نموده جریان ارتباطات رسمی و دستگاه های مخابراتی تحت نظارت قرار داشتند. همچنان نظارت از شهروندان خارجی شدت یافته بود. شعبات ویژه ای ضم واحد های نظامی گردیدند. در این شعبات افسرانی گنجانیده شده بودند که قبلاً در بخش انتقالات یا ترانسپورت مشاغلی داشتند و یا هم افسران احتیاط بودند که باز خوانده شده بودند. همچنان افرادی که به زبان فارسی بلدیت داشتند استخدام گردیدند. یک واحد خاص مربوط شعبه (آر) "ک.ج.ب." به ناحیه کوشکه^۱ فرستاده شد. در مورد اینکه آیا امریکا فعالیتهای نامشروعش را [در افغانستان] آغاز نموده بود و یا نه، مطالعات زیاد صورت گرفته بود. محافظت از مؤسسات اقتصادی شدت کسب نموده مکاتبات و مکالمات تلفونی تحت کنترل شدید قرار گرفته بود. مکاتیبی که در آن از حالت آماده باش قوای نظامی ذکر می شد به عمل آمده بود و نامه های مشکوک همه و همه مصادره گردیده نویسندگان مورد باز پرس قرار می گرفتند.

در این موقع احتمال میرفت تا خارجیها، افغانها و ایرانیها از افغانستان و ایران به اتحاد شوروی فرار نمایند به این منظور آمادگی ها در مراحل نهایی خود قرار داشت. به منظور پذیرائی احتمالی از گروههای فوق الذکر محلات بررسی و گروههای اوپراتیفی اطلاعاتی ایجاد گردید. همچنان از تلاش اتباع شوروی برای فرار نمودن به جانب ایران جلوگیری به عمل آمد.

به تاریخ ۴ جنوری سال ۱۹۸۰ مارشال سوکولوف^۲ با یک قاطعیت خاص وارد کابل شد. جنرالان شوروی نیز ذوق زده بودند و نمیتوانستند انتظار مقابله با دشمن ضعیف شان را بکشند.

قوای هوایی شورشیان را مورد بمباردمان شدید قرار داده و اردو نیز وارد معرکه گردید.

به تاریخ ۱۶ فیبروری سوکولوف، س.ک. مگومیتوف و س.ف. اوخریموف^۳ با بیرک ملاقات نموده خواستند به موصوف تصویری از اوضاع را ارائه نمایند. آنها به بیرک راجع به فعالیتهای قوای شوروی در افغانستان معلومات دادند. در جریان این ملاقات سوکولوف از فعالیتهای قوای هوایی به بیرک یادآور شده گفت " قوای هوایی ما ۲۴۰ پرواز رزمی را اجراء نموده است در حالیکه قوای افغانی ۵۶ پرواز را اجراء نموده است ".

اولین حمله قوای شوروی نتوانست باعث ایجاد ترس و رعب در وجود مردم افغانستان گردد حتی میتوان گفت تاثیر معکوسی داشت. بین روزهای ۲۰ و ۲۳ فیبروری شهر کابل شاهد تظاهراتی بود که علیه حضور قوای شوروی به

مواردی از قاچاق که توسط افغانها و شورویها صورت میگرفت نیز افشاء گردید. آنها سکه های طلا، مس، عینک آفتابی، سگرت لایتر و دستمال را به طور قاچاق به اتحاد شوروی وارد میکردند. در قاچاق مواد فوق الذکر اشخاصی چون کارمندان رستوران، آمرین مغازه ها، فروشنده ها، مفتشین، ملازمین ریل و فروشنده های تکت از شهر های چون کوشکه، مازه، عشق آباد و از دیگر شهر ها و محلات، دخیل بودند. قربانوف که یک محتکر بزرگ بود ۱۵۵۰۰ عدد سکه طلا خریداری نموده بود او برای خریداری این سکه ها مبلغ بالاتر از یک میلیون روبل پرداخته بود.

ایودارد گونچاروف عضو بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." در کابل که قبلاً به صفت ریزینت در یک ریزینسی در یک کشور افریقائی کار کرده بود، در احتکار اسعار سهیم بود.

"ک.ج.ب." بدون کدام مشکل بالای اوضاع داخلی کشور مسلط بود. اوضاع در کشور تحت کنترل بوده اجتنهای زیادی در دفاتر، تفریحگاه ها، ترنها، در خانه ها و حتی در بستر، گماشته شده بود. (مولف)

۱

Kushka

مارشال سیرگی. ل. سوکولوف معاون وزیر دفاع شوروی بین سالیان ۱۹۶۷ و ۱۹۸۷. (ویرایشگر)

۲

جنرال سیرگی. ف. اوخریموف معاون اول لوی درستیژ شوروی. (ویرایشگر)

راه انداخته شده بود. قوای مسلح از اجرای دساتیر سرپیچی نموده و شهر در حالت محاصره قرار داشت. پلها مسدود گردیده بودند و سد ها و کمین های مخفی در مسیر تمام راه های که به شهر وصل میشد، به وجود آمده بود. در این هنگام جنرال قادر به صفت قومندان شهر تعیین گردید.

در این عملیات [خاموش ساختن تظاهرات مردم شهر کابل] از جانب شورویها ۲۴ دسته (اضافه تر از ۲۰۰۰ سرباز شوروی) ۳۰ تانک و زره پوش و ۲۰۰ زره پوش زنجیردار، و از جانب افغانی ۱۱ دسته (اضافه تر از ۱۰۰۰ سرباز) با ۴۳ تانک، ۴۰ زره پوش زنجیردار و راکت انداز های سیار اشتراک کرده بودند. پرواز های زیادی به ارتفاع کم بر فراز شهر و حومه آن برای ترسانیدن اهالی صورت گرفت. طیارات شوروی ۱۵۸ پرواز و طیارات افغانی ۴۹ پرواز را اجراء نمودند. در این راستا به تعداد ۹۰۰ تن که در این تظاهرات حصه گرفته بودند دستگیر شدند. برای اعاده نظم و امنیت شهر یک کمیته خاص ایجاد گردید که در رأس آن سروری قرار داشت. سایر اعضای این کمیته را جنرال قادر قومندان شهر و ب. س. ایوانوف تشکیل میدادند که البته اخیرالذکر بنابر پیشنهاد ببرک به این کمیته شامل ساخته شد. این کمیته صلاحیت داشت تا فعالیتهای وزارتخانه های داخله، دفاع و ریاست امنیت را هماهنگ ساخته و اداره کنند.

در این هنگام کنترل اکثریت محلات در اطراف شهر را شورشیان به دست داشتند.

در تابستان ۱۹۸۰ در شهر قندهار شورشی صورت گرفت. این شورش را منشی کمیته شهر آ. کایوت^۱ که از حامیان جناح خلق بود علیه ارستوکراسی پرچمیها به راه انداخته بود. در ۳۰ اگست شهر کاملاً در محاصره قوای شوروی قرار داشت. در آغاز عملیات، محلات محاصره و تلاشی گردیده متعاقباً از قوای هوایی و آتش از هوا به پیمان و وسیعی استفاده صورت گرفت و در نهایت حمله آغاز گردید.

در شهر هرات نیز اوضاع به همین شکل بود. در آنجا نیز یک گروهی از خلقیها تشکیل گردیده بود تا علیه دولت ببرک دست به قیام بزنند. در این گروه سگین^۲، عبدالظاهر چوپان منشی کمیته ولایتی هرات، پیکارجو مسؤول شعبه تشکیلات، یک عضو کمیته ولایتی و مسؤول یکی از ادارات در آن ولایت، معاون منشی کمیته ولایتی ولایت هرات، معاون سیاسی فرقه هفده زره دار، دو تن از منشی های کمیته های محلی ولایت، نه تن از اعضای کمیته شهری و محلی و دو تن از اعضای بلند پایه خاندوی شامل بودند. این در واقعیت نخستین مشکلی نبود که در فرقه هفده زره دار به وقوع می پیوست. در مارچ سال ۱۹۷۹ نیز تلاش برای یک قیام علیه دولت صورت گرفته بود. در آن زمان دگرمن س. ل. کاتیچوف^۳ به عنوان مشاور نظامی در این فرقه ایفای وظیفه مینمود.

یک گروه اوپراتیفی مختلط از وزارت دفاع شوروی و نماینده گی "ک. ج. ب" طرح یک برنامه را برای فعالیتهای اوپراتیفی، نظامی و سیاسی برای مقابله با شورشها و توسعه قدرت دولت کابل در شهر و ولایت هرات تهیه نموده بود. شهر هرات در این هنگام در محاصره قوای شوروی قرار داشت. در ماه سپتمبر یک سلسله عملیات نظامی اوپراتیفی در شهر هرات و حومه آن شهر صورت گرفت.

۱

A. Kaiut

۲

SAGIN

۳

S.L. Katichev

در این زمان نقش ایران به عنوان یک کشور همسایه و امکان استفاده از این کشور منحصی پایگاه پخش افکار بنیاد گرائی در نواحی غربی افغانستان مورد توجه قرار گرفت. قسمتهای زیادی از سرحد بین افغانستان و ایران که آسیب پذیر پنداشته میشد مسدود گردیده و ماین گذاری گردید.

اعضای محلی [افغان] استخبارات در طرح عملیات سهیم ساخته نشدند زیرا بیم آن میرفت که از طریق آنها معلومات به دست دشمن بیفتد. برای اجرای این عملیات ۱۷ عضو خاد، ۴۴ تن از فعالین حزبی و ۱۵۲ تن از خاندوی از کابل فرستاده شدند و ۳۵ تن داوطلب از محل انتخاب گردیدند. نبرد برای تسخیر شهر یک هفته به طول انجامید. در این نبرد محاصره شدگان با آنکه سلاح فرسوده در دست داشتند از خود مقاومت شدید، قهرمانی و دلاوری نشان دادند. آنها سه بار تلاش نمودند تا حلقه محاصره را بشکنانند. اما بالاخره هرات در یازدهم سپتمبر سقوط نمود. در این میان ۵۵۱ تن از شورشیان با ۳ تن از رهبران شان به قتل رسیده ۱۰۳۶ تن به اسارت درآمدند. برندگان این نبرد توانستند ۱۳ واسطه نقلیه، ۱۹ موتورسایکل، ۷۳ قبضه تفنگ و ۴۰ کیلو گرام مواد منفجره را به دست آورند. چهار پسته امنیتی در دروازه های شهر به وجود آمد و همه افرادی که از شهر داخل و یا خارج میشدند مورد کنترل و بازرسی قرار می گرفتند و اگر شخصی مشکوک به نظر میرسید دستگیر میگردد. شهر توسط ۴۳ عراده موتر نظامی گزمه میگردید.

تعداد افرادی که در جریان این عملیات دستگیر گردیده بودند از ۲۵۰۰ تن تجاوز مینمود. در میان دستگیر شده ها ۴ تن ایرانی نیز موجود بود. در استدیوم شهر جائیکه در آنجا بالاتر از ۲۲۲۵ تن از اسراء نگهداری میشد یک اردوگاه برای رسیدگی به امور دستگیر شده ها ایجاد گردیده بود. تعداد افرادی که به زندان افکنده شدند به ۶۵۱ تن میرسید. در نتیجه این نبرد که یک ماه را در بر گرفت از جمله بیست و دو علاقه داری که در اختیار شورشیان قرار داشت پنج علاقه داری از کنترل آنها خارج ساخته شد. بعداً در ماه اکتوبر نه علاقه داری دیگر نیز به همین ترتیب از وجود شورشیان پاک گردید. در این عملیات نظامی دو لوای پیاده، دو کندک پراشوت و یک گروپ خاص کشف حصه گرفته بودند. به صورت کل در این عملیات اضافه تر از ۴۵۰۰ تن با مقدار زیاد سلاح و مهمات شامل بودند.

نا گفته نباید گذاشت که در این عملیات گروپ "آبشار" "ک.ج.ب." مشتمل بر ۱۴۵ تن و گروپهای شورشی قلابی (گروه هائیکه توسط "ک.ج.ب." تشکیل میگردد و مخفیانه به نفع "ک.ج.ب." فعالیت مینمود. مترجم) که به منظور شناسائی شورشیان واقعی و از بین بردن آنها ایجاد شده بودند نقش بسزای را بازی نمودند. واحد های رزمی شوروی در حالیکه توسط نیرو های افغانی همرائی میشدند به جست و جوی منازل پرداختند. آنها مناطقی را که دوباره به دست آمده بود محاصره نموده به جست و جو در میان اهالی این محلات پرداختند. در جریان این کشمکشها ۱۲۱ تن به قتل رسیده و ۳۵۷ تن دیگر دستگیر گردیدند. در جریان این عملیات به تعداد ۱۳ مرکز اسلامی در قراء و قصبات تخریب گردیده، کتابهای ناپسند، اسلحه و مواد منفجره ضبط گردید.

از تجارب موفقانه عملیات "آبشار" بعداً در سایر ولایات نیز استفاده به عمل آمد.

در اول اکتوبر مارشال سکولوف، کریچکوف رئیس بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." همراه با ون.سپولینکوف وارد هرات شده موافقه شان را از عملکرد "ک.ج.ب." و قوای شوروی اعلام نمودند. آنها با افسران بلند رتبه ملاقات نموده و در جریان این ملاقات اعلام نمودند که قوای نظامی شوروی اجازه دارد بدون

موافقه قبلی دولت کابل، تا ساحات پنجاه کیلومتری از محل استقرار شان دست به عملیات نظامی بزنند. ماموریت اصلی قوای شوروی را در این زمان از بین بردن رهبران گروه های مخالف و باند ها تشکیل میداد.^۱ شورشیان در طی سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ با یک اردوی ۱۳۲۰۰۰ نفری که با قوای هوایی ۱۵۰۰۰ نفری حمایت میشد، روبرو بودند. اردوی افغانستان با اسلحه ضروری که توسط شوروی در اختیارش گذاشته شده بود مجهز گردیده بود. در این میان قوای هوایی به شدت سرگرم نبرد بود ولی اردو [افغانستان] غیر قابل اعتماد و اتکاء بوده موارد گریز از خدمت در آن به پیمانته زیادی وجود داشت.

مرحله دوم جنگ علیه مردم افغانستان توسط قوای شوروی آغاز گردید. جدید ترین اسلحه و تخنیک به شمول زهر های کیمیاوی به شکل بم های گازی با بُرد کوتاه مورد استفاده قرار گرفت. جنگها براساس راپور های استخباراتی که درباره شورشیان از پاکستان و ایران به دست میآمد، برنامه ریزی میگردید. شورشیان قبل از ورود به افغانستان در پاکستان و ایران به استراحت پرداخته، تجدید قوا میگردیدند. قرار گزارش اوستینوف به برژنف این نیروهای نظامی شوروی و قوای "ک.ج.ب." بودند که در نبرد با ضد انقلاب نقش اصلی را بازی میکردند. رهبران چکیست اصرار میورزیدند تا سرحدات افغانستان با پاکستان، ایران و چین باید کاملاً مسدود گردند. اما افغانها نه توانائی اجرای این امر را داشتند و نه هم این آرزو را. به همین دلیل موضوع حراست از سرحدات را قوای شوروی به عهده گرفت. سرحد افغانستان با شوروی تحت کنترل کامل قوای سرحدی قرار داشت.^۱ به تعداد

باند به یک گروه مسلح مشتمل بر دو تن یا زیاده از آن گفته میشود. باند ها برای حمله به اشخاص و افراد، تأسیسات دولتی و مؤسسات اقتصادی تشکیل میشوند. در اینجا منظور چیکا از باند، همان باند های کاذبی است که همانند باند های واقعی عمل میکنند. باند های کاذب به داخل جنبش آزادیخواه نفوذ نموده به واسطه اقدامات پست دست به محو نمودن وطنپرستان میزنند و یا هم آنها را شکار واحد های مسلح "ک.ج.ب." و قوای مسلح میسازد. به این وسیله در زمان کوتاه و با خسارات ناچیز گروه های مقاومت از بین رفته، راه های مواصلاتی بین این گروه ها تحت کنترل قرار گرفته، همکاری بین آنها و مردم آسیب دیده و فضا شک و تردید ایجاد میشود. گروه های رزمی اجتنوری به مانند گروه های ریزرفی "ک.ج.ب." خدمت مینمایند اما از آنها ندرتاً به شکل مستقل برای ماموریتهای رزمی استفاده میشود. اجتهای رزمی که به عضویت این گروه ها درمیآیند باید آماده اخذ تصمیم قاطعی که میتواند حیات شان را با خطر مواجه سازد، باشند. کوماندهو هائیکه برای این گروهها انتخاب میشدند افرادی نهایت شجاع و هیجان پسندی بودند: اعضای گروه های مقاومت بودند که دستگیر شده دوباره استخدام شده بودند. قوای سرحدی از همان آغاز تلاش مینمود تا مردم را راضی و خوشنود نگهدارد. مقادیر کمی از آرد، برنج، نمک، شکر، چای و لباس برای سی هزار تن، پاپوش، صابون و تیل از جمهوریت تاجکستان به ولایت بدخشان انتقال داده شد. به وزارت تجارت وظیفه داده شده بود که از اهالی این ولایت تولیدات زراعتی و صنعت دستی شانرا در بدل مواد تولیدی خریداری نمایند. فیصله نامه خاص بیروی سیاسی و شورای وزیران اتحاد شوروی خواهان برقراری تماسهای مستقیم حزبی، دولتی و اقتصادی فی مابین جمهوریتهای تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان با ولایات "ج.د.ا" بود. به همین اساس جمهوریت ازبکستان اتحاد شوروی با ولایات بلخ، سمنگان، جوزجان، پروان، ننگرهار، شهر و ولایت کابل ارتباط قایم نمود. بدخشان، قندوز و بامیان تحت قیمومیت جمهوریت تاجکستان شوروی و هرات، بادغیس و فاریاب تحت قیمومیت جمهوریت ترکمنستان شوروی قرار گرفتند. این تقسیم بندی براساس عوامل نژادی، جغرافیائی و اقتصادی صورت گرفته بود اما باید اینطور نمایان میشد که این ولایات افغانستان مشتاق پیوستن با جمهوریتهای شوروی بوده و اقوام ساکن در این ولایت خواهان یکجا شدن با برادران شوروی شان بوده اند. اما زمانیکه ببرک در ملاقاتش با متروسوف و چوچوکیان از آنها بی تکلفانه خواست در بخش کنترل سرحدات سهولت ایجاد گردد تا شهروندان هر دو کشور بتوانند به راحتی اختلاط یابند، رئیس قوای سرحدی "ک.ج.ب." گفت که او اینکار را نمیتواند انجام دهد. زیرا امکان دارد این عمل پیامد های غیرمطلوب را در قبال داشته باشد. او این مطلب را در حالی اظهار نمود که ماموریت اصلی چکیستها برخلاف این موضوع بود. به این عبارت که چکیستها مخالف اختلاط آزاد و بدون نظارت مردم این دو کشور بود. مولف

قوای سرحدی "ک.ج.ب." از اعتماد و اعتبار بیشتری برخوردار اند. آنها مانند یک حلقه همه کشور را در محاصره داشته همه راه های فرار را مسدود میسازند. در جریان پروسه انتخاب افراد به صفوف این گروه خود آنها، اقارب شان، همکاران شان، منازل و محلات کار شان با دقت مورد بررسی قرار میگردد. شعبه خاصی در داخل "ک.ج.ب." این معلومات را جمع آوری نموده و بعد از بررسی های خاص تصمیم میگیرند که کدام اشخاص به سرحدات فرستاده شوند. در جریان پروسه انتخاب افراد به این گروه تعداد زیادی از آنها به دلایلی چون: هبیبی بودن، نوگرا بودن، مد پسند بودن و گوش دادن به رادیو های غربی، رد میشدند. در امر محافظت از سرحدات قوای سرحدی با نیروهای اردو تشریک مساعی مینمایند. ساحات تحت کنترل آنها شامل دریاها، دریاچه ها، راه های دریائی داخلی و ساحات خشکه میشود. هر ناحیه از خود دارای یک شورای نظامی، لوی درستیژ، شعبات و ادارات مختلف از جمله اداره استخبارات هستند. برای افرادی که در این ساحات زندگی و یا کار مینمایند و همچنان برای مالکین کشتیها و طیاره ها مقررات خاصی وجود دارد. اشخاصیکه وارد این محلات میشوند باید از بخش کنترل پاسپورت عبور نمایند و پاسپورتهای شان با مهر های خاصی مزین گردد. آنهایکه دارای سوابق جرمی اند حق کار و یا زندگی کردن را در این محلات ندارند. آمرین و صاحبان قدرت در این محلات خارج از حیطه قانون عمل مینمایند. جنرال کووالیفسکی فرمانده - بقیه در صفحه بعد-

۵۰۰۰ تن از این سرحد پاسداری مینمودند. آنها در اطراف راه های اصلی مواصلاتی از ترمز و کوشکه و سایر محلات که به کابل منتهی میگردید کمینهای زیادی را ایجاد کرده بودند.

در ماه می سال ۱۹۸۰ قوای سرحدی شوروی ناحیه پامیر در داخل خاک افغانستان را اشغال نمودند. آنها سرحد مشترک افغانستان با پاکستان و چین را از ناحیه اتصال این سرحدات تا (دره دورو) که ۴۰۰ کیلو متر طول داشت، مسدود ساختند. به علاوه آنها شانزده دره و سرک را در پامیر، نیز مسدود نمودند. این اقدام بر این دلیل صورت گرفته بود که از این راه ها به حیث راه های ارتباطی و تدارکاتی با چین استفاده صورت می گرفت.

در جنوری سال ۱۹۸۱ بنابر دستور اندروپوف تعداد قابل ملاحظه از نیرو های "ک.ج.ب." به شکل اضافی در خط دوم دفاعی سرحدی در سرحدات افغانستان با پاکستان و ایران جابه جا گردیدند. پنج فرقه سرحدی و قوای رزمی تازه نفس در آن ساحات اخذ موضع نموده، سه کمر بند امنیتی در این نواحی ایجاد شده و گذرگاه ها و راه ها همه تخریب گردیده و ماین گذاری شدند.

ببرک در ۲۴ جنوری سال ۱۹۸۰ به سفیر شوروی و گریکوف گفت " اکنون زمانیکه اتحاد شوروی وظیفه خطیر دفاع از انقلاب ما را به عهده گرفته است دیگر سرنوشت کشور های ما کاملاً بهم گره خورده است ". با در نظر داشت موضوعاتی که در سطور بالا ذکر گردید، او واقعاً در این گفتارش حق به جانب بود.

در تابستان ۱۹۸۰ بر اساس پیشنهاد جانب شوروی قلمرو افغانستان به هشت زون تقسیم گردید. در رأس هر یک از این زونها یک نماینده کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." و عضو شورای انقلابی تعیین گردیده بود. وظیفه آنها را هماهنگ ساختن امورات کاری واحد های دولتی و حزبی، واحد های قوای مسلح، خاد و خاوندی در این محلات تشکیل

(ادامه پاورقی صفحه قبلی) - بخش سرحدی "ک.ج.ب." در ناحیه ترکستان در یک قصر که شش اتاق داشت و یک ساحه ۱۲۳ متر مربع را احتوا میکرد، زندگی مینمود در حالیکه فامیل او صرفاً مشتمل بر سه تن بود. او مبلغ بیست هزار ربل از دارائی عامه را صرف بهترسازی منزلش نمود. جنرال گوریانوف رئیس اداره خاص "ک.ج.ب." در حوزه نظامی کارپاتین با خامش در یک ویلا دو طبقه نی در محله لفوف زندگی میکرد. او یک آپارتمان سه اتاقه در لینینگراد داشت و سه عراده موتر را با یک موتورسایکل برای اقارنش به دست آورده بود. هر ناحیه [قوای سرحدی] به چندین واحد سرحدی تقسیم میشود که هر کدام مسؤولیت نگهبانی و پاسداری بخشی از سرحد را عهده دار میباشند. هر واحد سرحدی از خود دارای محل قومنده، پایگاه مرزی و پسته های امنیتی است. محل قومنده متشکل از چندین پایگاه مرزی است که هر پایگاه مرزی مسؤولیت بخش خاصی از سرحد را دارا میباشد. هر کدام از خود دارای حداقل سه گروه زره دار، سگها و متخصصین تخنیکی هستند. مقررات شدیدی در نوار ارضی که در مجاورت با سرحد قرار داشت تطبیق گردید. عمق این نوار ارضی در کنار سرحدات با کشور های سوسیالیستی ۱۰۰ متر، در کنار سرحد با چین، ناروی و فنلند ۲ کیلو متر و در مجاورت سرحد با ترکیه، ایران و افغانستان بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر، البته وابسته به شرایط ارضی، میباشد. در امتداد همه سرحدات یک نوار ارضی به پهنائی ۸ تا ۱۰ متر وجود دارد که مجهز است با موانع، آلارم و سیمهای خاردار. مسؤولیت نظارت از سرحدات به عهده واحدهای سرحدی و ارگانهای محلی "ک.ج.ب." و وزارت امور داخله میباشد.

کار اوپراتیوی اجنتوری در میان همه مردم محل اجراء شده است. کار یک مامور اوپراتیوی بر اساس مقدار سرباز گیری که نموده و گزارشاتی که او به واسطه اجنتها به دست آورده، تعداد گزارشاتی که توسط افراد ارتباطی به دست آورده و بالاخره تعدادی میتینگها و سخنرانی هائی را که او اجراء نموده است، مورد ارزیابی قرار می گرفت.

همه افسران شامل در قوای سرحدی، چه افسران استخباراتی و یا غیر استخباراتی، همه مانند افسران شامل در ارگانهای استخباراتی، مسؤولیت پیشبرد کار اجنتوری را دارند. فعالیتهای استخباراتی در هر جاتی که انسانها زنده گی میکنند به پیش برده میشود. چهار و یا پنج گروه "ک.ج.ب." : اداره "ک.ج.ب."، ساحه نی، شعبه دوم قومندانی واحد سرحدی، شعبه خاص واحد سرحدی و یک شعبه ویژه واحد های رزمی و پولیس، سرگرم فعالیت [در نواحی سرحدی] اند. و اما اگر در منطقه خط آهن وجود دارد، شعبه ترانسپورت "ک.ج.ب." نیز شامل ساخته میشود. بعضاً تعداد افسران اوپراتیوی در یک قریه کاهش میابد با وجوئیکه آنها در مجالس ملاقات با اجنتها حضور میابند. در واقعیت همه بزرگ سالان در این محلات یا [به "ک.ج.ب."] استخدام شده و یا هم قبلاً از اینکار باز نشسته شده اند.

زمانیکه گزارشاتی مبنی بر تلاش احتمالی افرادی که تحت تعقیب قرار دارند برای گشتن از سرحد به دست می رسد، همه افسران اوپراتیوی به حالت آماده باش در می آیند. در واقعیت این افراد در سراسر اتحادشوروی تحت تعقیب قرار دارند. به همه ارگانهای "ک.ج.ب." تصاویر افراد مذکور با معلومات راجع به آنها، راه های احتمالی رفت و آمد شان و شیوه کار شان، فرستاده شده است. شناسنامه های آنها که ثبت دفتر بوده است به شعبات "ک.ج.ب." و دفاتر خاص وزارت امور داخله فرستاده شده است. در محلاتیکه بیم می رود این افراد سرحد را عبور نمایند به تعداد متخصصین و وسایل در آن محلات افزود میشود. در سال ۱۹۶۰ تنها در ناحیه سرحدی ترکستان ۱۴۰ هشار

مواصلت نموده بود. [در اینجا ۱۷ سطر حذف گردیده است]. (مولف)

میداد. در این میان بارق شفيعی به حيث نماينده در زون جنوب غرب. م.دخنيش^۲ در شمال، ن.محمد در زون جنوب شرق، ن.تهذيب در زون شمالشرق و وطنجار در زون مرکزی تعيين گرديد. آنها همچنان وظيفه داشتند تا از اجرای دساتير مقامات بلند رتبه حزبي و دولتي در بخشهای نظامی، اجتماعی، اقتصادی و تبلیغاتی در زونهای مربوطه شان نظارت به عمل آورند. در این میان ولایت کابل توسط کمر بند های امنیتی محاصره گرديده بود و واحد های خاص کماندو در اطراف آتشهر استقرار یافته بودند. همچنان برای جلوگیری از ورود شورشیان به کابل کمینها و دامهای مختلفی در اطراف راه های مواصلاتی بکابل چیده شده بود.

قوای نظامی شوروی در صورت وقوع شورش باید در محلاتی مانند کلوپ نظامی، سفارت شوروی، مراکز مخابراتی قوای شوروی و بارکهای تپه تاج بیک، خود را مخفی میکردند.

بنابر ملاحظات فرماندهی قوای شوروی و نماینده گی "ک.ج.ب." مردم افغانستان از دولت آنکشور حمایه نکرده به کشور های پاکستان و ایران فرار مینمودند. به نظر آنها دولت کابل به تنهایی قادر به پیروزی بر دشمن نبود. به نظر فرماندهی قوای شوروی و نماینده گی "ک.ج.ب." دولت افغانستان فاقد توانائی بود که بتواند با فعالیتهای دشمن با آن پیمانها و شدت که جریان داشت، مقابله نماید. به همین دلیل مشارکت کامل قوای شوروی [در عملیات نظامی] تقاضا میگردد. مسکو به قوای مسلح شوروی وظيفه سپرد تا در سال ۱۹۸۱ به جنبش مقاومت در افغانستان به شکل کلی خاتمه بخشیده، شورشیان را محو نموده و حاکمیت دولتی را در سراسر افغانستان توسعه بخشد.

در این هنگام حدود صلاحیت نماینده های شوروی که در زونها وظيفه اجراء میکردند وسعت یافته آنها صلاحیت یافتند تا در امر مبارزه با شورشیان، تصامیم اوپراتیفي بگیرند. همچنان مشاورین نظامی که در مراکز نظامی زونها ایفای وظيفه مینمودند صلاحیت یافتند تا سطح کندک مداخله نمایند. (در اینجا چند کلمه حذف گرديده است). در بعضی نقاط که از نظر امنیتی ضعیف به نظر میرسید قوای شوروی جایگزین قوای افغانی گرديد. همچنان از طرف وزارت دفاع شوروی برای هماهنگ ساختن فعالیتهای قوای نظامی یک گروه اوپراتیفي ایجاد گرديد. اعضای این گروه را سکولوف، اخرومیف، ی.ک. الکسیوف، ا.و. رومنستوف و ون. سپولینکوف^۱ تشکیل میدادند.

متروسوف (در اینجا تقریباً ۳/۴ حصه یک سطر حذف گرديده است)، سکولوف و اخرومیف^۲ وظيفه داشتند تا فعالیتهای اردو و قوای سرحدی را هماهنگ سازند. همچنان آنها میبایست در مشارکت با ون. چوچوکین و ن.ی. مکروف^۳ فعالیتهای شانرا با "ک.ج.ب." نیز همنوا و هماهنگ سازند.

به اشخاص فوق هدایت داده شد تا با استفاده از قوای نظامی ناحیه ترکستان، فرقه چهل و امکانات مشاورین نظامی و نمایندگی "ک.ج.ب." با رهبری و ستردرستیز قوای نظامی ترکستان (که تحت فرمان جنرال ی.پ. ماکسیموف قرار داشت)، فرقه چهل، وزارت دفاع "ج.د.ا." و کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا."، مساعدتهای عملی و سیاسی را در جهت بهبود بخشیدن فعالیتهای مشترک قوای شوروی و افغان، مساعد گردانند.

۲

M. Dekhnesh

۱

Sokolov, Akhromeev, Y.K.Alexeev, A.V.Romantsov and V.N.Sponikov.

۲

Matrosov, Sokolov and Akhromeev

۳

V.A.Chuchukin and N.I.Makarov